

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقوری
فرستنده: محمود شاداب
۱۶ نومبر ۲۰۱۸

[قصه نیخانه]

زلیخاوار دیشب قصه نیخانه می‌گفتم
ز کیف‌گردش چشم‌خمار آلود بیمارش
نرنجد خاطرت ای آشنا کز بیم رسوائی
نمی‌گردید دور این چراغان جهان دیگر
به زلف یار شاید قصه می‌کرد از زبان من
ز گردشهای چرخ اکنون عزیزی رفته از یادم
دو روزی در سرای دل ز روی عاریت بودند
به پاس‌خاطر یوسف وشی افسانه می‌گفتم
حدیث عشرت انگیز می و میخانه می‌گفتم
ترا در پیش روی مردمان بیگانه می‌گفتم
اگر وصف گل روی تو با پروانه می‌گفتم
پریشان حالی خود را اگر با شانه می‌گفتم
که ذکرش عمرها با سبحة صدदानه می‌گفتم
بُتان را از گمان خویش صاحبخانه می‌گفتم